



ندای انقلاب

۱۰

ویژه خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

انقلابی انسانی
برای
یک حکومت انسانی

چهارشنبه ها منتشر میشود

nedaye_enghelab@yahoo.com

چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۸۸ / ۱۴ اکتبر ۲۰۰۹

سر دبیر: حسن صالحی

اعتراض علیه اعدام در لندن و فرانکفورت

لندن:

در جواب به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام، تعدادی از آزادیخواهان و مخالفین اعدام در یک حرکت سمبولیک صدای اعتراض علیه اعدام و صدای اعتراض علیه آخرین احکام اعدام در ایران را به گوش مردم رساندند. روز شنبه ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، سخنرانان متعددی در اعتراض به



مجازات اعدام بطور کلی و علیه احکام اعدام در ایران بطور مشخص در میدان ترافالگار لندن حرف زدند. جلیل جلیلی، شیوا محبوبی، بهار میلانی، پتی دیونیتو، سعید پرتو و رضا مرادی در این روز سخنرانی کردند. عکسهایی از اعدام شدگان در ایران و محکومینی که منتظر اعدام هستند به نمایش گذاشته شد و صدها نفر از مردم با امضای طومار و ابراز احساسات شان حمایت خود را از صدای آزادیخواهان مردم و اعتراض خود را علیه اعدام ها در ایران نشان دادند.



بهنود شجاعی، جوان بیست ساله
ای که سحرگاه یکشنبه ۱۱ اکتبر
به دار آویخته شد.

گزارش یک شاهد عینی از مقابل زندان اوین

دیشب ۱۰ اکتبر- مقابل اوین، صحنه جدال انسانیت با جانیان اسلامی بود. بهنود شجاعی کودکی که در زندان نگاهش داشتند تا به سن قانونی اعدام برسد، را میبردند تا طناب دار بر گردنش بیندازند. ما در مراسم روز جهانی کودک در فرهنگسرای شهریاران بودیم که به همراه تعدادی به مقابل اوین رفیقیم رفتیم که نگذاریم بهنود را اعدام کنند. رفیقیم تا دنیا صدای اعتراض ما را بشنود. و همگان بدانند که یک جنبش قوی انسانی برای زیر و رو کرد این بربریت در ایران جلوی صحنه است. بهنود را اعدام کردند، قوانین کثیف قصاصشان را به اجرا گذاشتند. خانواده مقتول را بازیگر این چهل و

صفحه ۳

بر علیه ماشین جنایت حکومت اسلامی متحدانه پای خیزیم! روز ۳۰ اکتبر روز اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی!

حکومت اسلامی ایران در صدد اعدام تعدادی از دستگیرشدگان تظاهراتهای اخیر و فعالین سیاسی است. به این زمینه سازی برای قتل فعالین سیاسی و مردم معترض، متحدانه باید پاسخ داد.

روز ۳۰ اکتبر برگزار میشود فرامیخواند. باید همه جا به این زمینه سازی برای جنایات بیشتر از سوی حکومت اسلامی قویا اعتراض کنیم هر جا که زندگی میکنید، در هر شهری که هستید در مراکز و میادین اصلی، در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا ساختمان پارلمانتها و ... اعلام تظاهرات کنید. ما میتوانیم و باید دوش به دوش مردم در ایران، دنیا را علیه ماشین جنایت جمهوری اسلامی بسیج کنیم مردم دنیا خود را در کنار جنبش آزادیخواهان مردم ایران می دانند و باید کاری کنیم که این نیروی اعتراض عظیم هر چه وسیعتر برای تقویت مبارزه مردم در ایران به میدان بیاید.

کمیته بین المللی علیه
اعدام

۱۳ اکتبر ۲۰۰۹ - ۲۱ مهر
۱۳۸۸

شرکت در تظاهرات به اعدام محکوم شده اند و برخی از سازمانهای مدافع حقوق بشر اعلام کرده اند که این افراد قبل از تظاهراتهای اخیر دستگیر شده و "جرم" آنها گزارش دادن به رادیوهای اپوزیسیون و یا تلاش برای خروج از ایران و پناهنگی در کشور دیگر بوده است. جمهوری اسلامی می خواهد از این طریق تعدادی از فعالین سیاسی و شرکت کنندگان در تظاهرات هارا اعدام کند و زمینه را برای اعدامهای بیشتر فراهم سازد. سران جمهوری اسلامی به عیث فکر میکنند با این جنایات مردم را مرعوب میکنند و حکومت خود را نجات میدهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام اعتراض جهانی را علیه اعدام در ایران و بطور مشخص اعدام کودکان و فعالین سیاسی و شرکت کنندگان در تظاهرات ها سازمان میدهد و همگان را به شرکت در این کارزار و تظاهراتی که به این مناسبت در

جمهوری جنایت اسلامی در روزهای اخیر بهنود شجاعی نوجوانی را که متهم بود در سن ۱۷ سالگی مرتکب جرم شده است اعدام کرد. چند نوجوان دیگر که آنها نیز درس کمتر از ۱۸ سال متهم به ارتکاب جرم شده اند، قرار است طی روزهای آتی اعدام شوند. در همین روزها محمدرضا علیزما، حامد روحی نژاد، آرش رحمانی پور، ناصر عبدالحسینی، داوود فریچه میر اردبیلی نیز به اتهام شرکت در تظاهرات و وابستگی به سازمانهای اپوزیسیون و به جرم ارتداد و محاربه با خدا محکوم به اعدام شده اند. روزهای ۶ و ۸ اکتبر نیز شش نفر در اهواز اعدام شدند. این بخشی از کارنامه سرایا جنایت این حکومت در چند روز گذشته است. باید با تمام قوا درمقابل این ماشین جنایت ایستاد و دنیا را بر سر این حکومت خراب کرد. وکلای افرادی که به اتهام

کانال جدید به "هات برد" بازگشت!

انقلابی انسانی!

گزارش جلسه حمید تقوایی در استکهلم و
گوئینبرگ سوئد

صفحه ۴

شرم هم چیز خوبی است!

در پاسخ به ابراهیم نبوی

صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

از صفحه ۱
شرم هم چیز خوبی است



حسن
صالحی

اخیراً "کمیته دانشجویی بلژیک" گزارشی از اعتراض به سفر احمدی نژاد به نیویورک در بروکسل در کشور بلژیک منتشر کرده است که در آن به نقل قولی از ابراهیم نبوی اشاره شده است. بنا به این گزارش نبوی در جلی در حاشیه این همایش با نئی چند از این دوستان پیرامون کشتار های دهه ۶۰ گفته است: "آنها در دهه ۶۰ کمونیست بودند و باید می مردند، شما هم ۵ درصد بیشتر نیستید و حقتان همین است!"

نبوی در جوابیه ای به این دوستان البته منکر زدن چنین حرفی شده است و دوستان کمیته دانشجویی بلژیک را متهم به "دروغگویی" و "عوام فریبی" کرده است. البته ایشان مثل همپالگی هایش اتهامات سخیف و محیرالعقلی نیز به سوی حزب کمونیست پرتاب کرده است که به برخی از آنها در این نوشته خواهیم پرداخت.

حتی انکارنامه ابراهیم نبوی که من نگفته ام که "آنها در دهه ۶۰ کمونیست بودند و باید می مردند، شما هم ۵ درصد بیشتر نیستید و حقتان همین است!" در این مورد چندان کمکی به ایشان نمی کند. به نظر میرسد آنچه که ایشان در بلژیک با عصبانیت و عیوسی گفته است همان دم "خروسی" است که البته "قسم حضرت عباسش" هم جای نقد جدی داشت. نبوی در صحبت های خود اولاً به این اشاره می کند که در مورد کشتارهای سال ۶۰ جمهوری اسلامی حرفی نزده و کشتارهای تابستان ۶۷ را مد نظر داشته است. در این مورد هم ایشان می گوید که البته نویسنده بوده است و در زمان وقوع این جنایت از آن بی خبر بوده است. ایشان البته نکات

دیگری هم می گوید. به این نکات و اینکه چرا ابراهیم نبوی به کشتارهای ۶۰ اشاره ای ندارد بعداً بر می گردیم. به نظر من ادعای نبوی مبنی بر اینکه از جنایات تابستان ۶۷ توسط جمهوری اسلامی بی خبر بوده است، صحت ندارد. این را به چند دلیل می گویم. یکم اینکه کسی با پیشینه نزدیکی و همکاری با جمهوری اسلامی و با توجه به روابط گسترده اش با حکومتیان، بسیار بعید است که از این رویداد هولناک بی خبر مانده باشند و نوم اظهارات توجیه گرانه ایشان در قبل خود این جنایت است.

به نظر من مسئله بر سر بی خبری نبوده و نیست بلکه مسئله لاپوشانی کردن این جنایت و با یک درجه زیادی اغماض سکوت در قبل این جنایت در زمان بروز آن است. این را من نمی گویم آقای نبوی حتماً عطاالله مهاجرانی را می شناسد و با ایشان بعنوان یکی از طرفداران موسوی نشست و بر خاست زیادی هم دارد. ایشان اخیراً در مطلبی که در سایت جنبش راه سبز تحت عنوان "ای آتشی افروخته در پیشه اندیشه ها..." منتشر شده در مورد کشتارهای تابستان ۶۷ سکوت روشنفکران حکومتی در برابر کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را اشتباه خواند. وی از جمله می نویسد:

"بسیاری به علت یا دلیل موقعیت تازه ای که در حکومت یافتند، اندک اندک از آن شعارها کمتر دم زدند و یا دم فرو بستند. مصلحت نظام مثل جذام ریشه های آن شعارها را بلعید و هل من مزید زد. جای آرمان، مصلحت نشست و جای ارزش های دینی، حفظ نظام ارج و اعتبار پیدا کرد. مثل همه انقلاب ها، حقیقت انقلاب در برابر واقعیت ها تسلیم شد. آرمان تینیل به کابوس شد." وی سپس می افزاید: "مثل همه ما که در برابر کشتار جوانان در سال ۱۳۶۷ ساکت ماندیم گمان می کردیم شرایط جنگ و تهدید خارجی می تواند مجوزی برای چنان جوان کشی باشد، که در تاریخ ما کمتر

نظیری برای آن می توان یافت."

اگر چه عطاالله مهاجرانی نیز در این اظهارات تلاش می کند که ارزشهای اسلامی خونریز و منشا جنایت را تبرئه کند ولی دارد با صراحت اعلام می کند که طیف آلمهایی مثل نبوی از هولاکاست اسلامی در تابستان ۶۷ با خبر بوده اند ولی بدلیل مصلحت نظام در مقابل این جنایات سکوت کرده اند! تازه اگر بپذیریم خود آنها نقش مستقیمی در ارتکاب این جنایت نداشته اند.

ولی مسئله به اینجا ختم نمی شود. ابراهیم نبوی در نوشته دیگری پیرامون کشتارهای تابستان ۶۷ اظهار نظر کرده است که نشاندهنده موضع واقعی او در قبل این فاجعه است. او با بیشرمی می نویسد: "البته یادم نرفته و نمی رود که خشونت دهه شصت خشونت یک دولت یا حکومت ظالم با یک گروه مظلوم قربانی نبود، بلکه خشونت دو گروه علیه همدیگر بود که نیروی غالب نیروی مغلوب را بیشتر کشت و آزار داد و راند. طبیعتاً آنکه قدرت غالب یافت ظلم بیشتری کرد" (برای مطالعه این مطلب به این لینک مراجعه کنید

<http://www.peiknet.com/1388/10khordad/11/PAGE/32NABAVI.htm>

- راستش من اصل مطلب را در وبلاگ شخصی "سید" پیدا نکردم شاید آنرا برداشته باشد) خب ملاحظه می کنید که اگر کسی ریگی به کفش نداشته باشد و واقعا بخواهد جنایتی را محکوم کند، بر صندلی "ظالم" و جنایتکاران نمی نشیند و این چنین قضاوت نمی کند و اینهمه اگر و مگر هم در نمی آورد. شاه هم زمانی که مخالفین خود را اعدام می کرد می گفت "تروریست" هستند و اعدام حقتشان بود. تقریباً همه دیکتاتورهای دنیا از همین حربه استفاده می کنند تا مخالفین سیاسی خود را تحت عنوان تروریست، اغتشاشگر و غیره سر به نیست کنند. همین امروز نیز احمدی نژاد خشونت بی حد

و حصر جمهوری اسلامی علیه مخالفین و معترضین را تحت همین عناوین توجیه می کند. من می خواهم از آقای نبوی بپرسم مگر آن جوانی که به دلیل پخش اعلامیه به زندان انداخته شده بود و تازه محکومیتش هم به پایان رسیده بود چه "خشونت" مرتکب شده بود که مشمول این حکم خمینی جلد شد: "در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید." همان بڑخیمی که شما او را می ستائید و موسوی انتظار بازگشت به ارزشهای نوران حیاتش را دارد!

راستش باز این نیز همه قضیه نیست. ابراهیم نبوی در نوشته ای در خصوص کشتار تابستان ۶۷ می نویسد که "بسیاری از آنان که سالگرد قتل عام ۶۷ را هر سال برگزار می کنند، مشکل شان یادآوری فاجعه کشتار نیست، بلکه نمی خواهند خودشان به عنوان کسانی که ممکن بود کشته شوند، فراموش شوند. برای بعضی هم این موضوع تنها عمل سیاسی است که در طول سال انجام می دهند، تا به خودشان بگویند که هنوز هستند و زنده اند. در این میان بازی، رقابت سیاسی برسر هیچ و پوچ در جریان است."

طبعاً از کسی که به نحوی جنایت تابستان ۶۷ را توجیه می کند انتظاری غیر از این نمی رود که گرامیداشت هر ساله یاد آن عزیزان را "رقابت سیاسی برسر هیچ و پوچ" ارزیابی کند. آن ارزیابی وقیحانه از کشتارهای تابستان ۶۷ منطقی این دهی کجی آشکار را به همراه می آورد. آقای نبوی با لوث کردن گرامیداشت یاد جانباختگان تابستان ۶۷ نمی خواهد این جنایات در سینه تاریخ بعنوان هولاکاست اسلامی در ایران ثبت گردد و عاملین آن مجازات و محاکمه شوند. از نظر ما این پرونده مفتوح هست چرا که سازماندهندگان این جنایت هنوز سیاستمداران آن کشورند و باید به سزای اعمالشان برسند. این

یکی از عرصه های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و موسوی و همه کسانی است که در این روند نقش داشته اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

بگذارید من اینجا به فجلیع خرداد ۶۰ توسط جمهوری اسلامی نیز اشاره ای بکنم. موضوعی که ابراهیم نبوی و دوستانش تمایل چندانی به بحث در مورد آن ندارند. آنچه که در خرداد ۶۰ اتفاق افتاد و این جماعت نمی خواهند در باره آن حرفی بزنند یکی از جنایات عظیم قرن بیستم بود. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی بود. در آن ایام هزاران کمونیست و آزادیخواه را اعدام کردند. کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگریفتند و میبرند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام می کردند. تمام نشریات آزاد و سوسیالیستی را بستند. تشکلهای کارگری را در هم کوبیدند. و این طور بود که جمهوری اسلامی توانست استحکام پیدا کند. به قول منصور حکمت جنایتی که اتفاق افتاد قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشتار و کشتار در اتونوزی، قابل مقایسه است با نسل کشی در رواندا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شبلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدیهای مهم انسانی قرن بیست است. زنده، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آلهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین ترین و پرشورترین و آزادیخواه ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

از صفحه ۲

شرم هم چیز خوبی است

بخشی از این جنایت به دست کسانی صورت گرفت که خط امامی درجه یک بودند (مثل مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی) که حالا اصلاح طلب حکومتی شده اند. در آفرینش این جنایات هواناک همه جناح های رژیم نقش بازی کردند و به فرمان قتل و کشتار خمینی، سرکرده جلاخان، لیبیک گفتند. سکوت امثال نبوی ها و موسوی چی ها در قبال فجایع خرداد ۶۰ نشانه رضا است و یاد بهترین به قول عطاءالله مهاجرانی سکوت برای حفظ مصالح نظام است.

خلاصه کنم نبوی در جواب به "کمیته دانشجویی بلژیک" منکر این می شود که او جنایت جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و آزادیخواهان در تابستان ۶۷ را تایید کرده است. دوستان ما در "کمیته دانشجویی بلژیک" طبعاً به این انکار و زدن اتهام دروغگویی به رفقای این کمیته، خود پاسخ خواهند داد. ولی غرض ما در این نوشته این بود که با استناد به حرفهای تاکنونی ابراهیم نبوی ثابت کنیم که ایشان علیرغم اینکه جنایات تابستان ۶۷ را محکوم می کند در عین حال چقدر توجیه گرانه در این مورد سخن می گوید و لام تا کام در مورد خرداد ۶۰ سخنی نمی گوید. از نظر این جماعت تاریخ جنایات جمهوری اسلامی از زمانی شروع می شود که این رژیم به تیغ کشیدن علیه جناح خودشان پرداخت. اگر این جنایات، علیه کمونیستها و آزادیخواهان باشد عیبی ندارد و قابل اغماض است و یا می شود آنرا مرتکب شد و با خیال آسوده نیز سنگ نمکرات بودن را به سینه زد. مگر نه این است که در همه جای دنیا به ضد کمونیستهای دو آتشه و قاتلین چپ ها و آزادیخواهان، کسانی نظیر پینوشه مدال داده اند؟ چرا اینها از این مسئله غافل بمانند. موضعگیری بخشی از این جماعت به نمایش ضد انسانی

اعتراف گیری و تواب سازی و دادگاههای فرمایشی گواه دیگری برای اثبات این ادعا است. اعتراضشان این بود که "چرا یاران امام را در کنار منافقین و مخالفین نظام نشانده اند!"

بگذارید در همینجا به برخی از یاهو گویی های ابراهیم نبوی در باره حزب کمونیست کارگری ایران به اختصار اشاره کنم. بعضی از آنها خیلی نخ نما شده است. اولاً وی لیستی از انسانها را ردیف کرده است که گویا حزب کمونیست کارگری به آنها اتهام عامل جمهوری اسلامی بودن رازده است. این البته بهیچوجه صحت ندارد. (ایشان تیری در تاریکی انداخته و خیال می کند می تواند کسانی را علیه حزب ما تحریک کند) برخی از افراد یاد شده در این لیست نظیر گنجی و مخملباف با سابقه همکاری با این رژیم اصولاً از مخالفین نظام اسلامی نیستند بلکه متعلق به جناح خوش خیم آن یعنی موسوی هستند که ایشان هم بنویسه خود "به جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلام زیاد" معتقد است. در این لیست اسم مختاری نیز آمده است که ایشان از قضا در سلسله قتل های زنجیره ای در دوره ریاست جمهوری سید خندان خاتمی بیرحمانه کشته شد.

ابراهیم نبوی می نویسد که حزب ما "تشکیلاتی موهوم و مشکوک که دقیقاً همان را می کند که وزارت اطلاعات می خواهد." محیر العقول و خنده دار است. اولاً این اتهام "مشکوک و موهوم" را اول بار خود وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به ما زد و به نظر می رسد که آقای نبوی آنرا از وزارت اطلاعات به عاریه گرفته است. به آقای نبوی پیشنهاد می کنیم که به کنگره هفتم حزب ما بیاید که در اوایل دسامبر بصورت علنی برگزار می شود و درش بر روی عموم باز است تا ببیند چه چیز موهوم و مشکوک است. جالب این است که نمایندگان جناحهای

از صفحه ۱

شاهد عینی

خرافات کرده و قربانی کردند. اما یک چیز برای همه ما باقی مانده، آنهم صف قوی انسانیت است. ما امروز متحد تر هستیم ما مقابل این جنایات می ایستیم ما بساط خرافه و قوانین ارتجاعی اسلامی را بر هم میزنیم ما این حکومت را بزیر میکشیم. می بخشید. خاتم دانشفر عزیز، هفتم دادن گزارش بود. اما احساساتی شدم و نمیتوانم همه آنچه در دل دارم بیان کنم آخر قیافه بهنود را نمیشود فراموش کرد. او یک کودک بود. حتی وقتی کشتنش او یک قربانی بود. جمهوری اسلامی او را کشت. و این جنایات همانطور که شما نیز در کانال جدید فریاد زدید، برایشان سنگین تمام خواهد شد. ببخشید باز هم احساساتی شدم نمیتوانم به گزارش ادامه دهم. اما مهم نیست. این جنایتی نیست که فراموش شود و در پرونده جنایات این رژیم ثبت است. بله حدود ۲۰۰ نفری مقابل اوین بومیم در میان این جمع مادرانی بودند که خود فرزندانشان را قبلاً از دست داده بودند. مادران داغیده. قلب ها می تپید. منتظر بودند "اولیای دم" بیایند بلکه جلوی این توحش را بگیرند. سرانجام خانواده احسان (خانواده مقتول) رسیدند. همه بطرفشان رفتند. جدالی بود برای نجات جان یک انسان، یک کودک. برای حیات و زندگی. جدالی برای دفاع از

انسانیت که وقتی به نگاه و عزم این انسانها نگاه میکردید، نوید ذیلی بهتر را میداد. نیای که در آن ستم نیست. اعدام نیست. نابرابری نیست. فقر نیست. کودک در رفاه و شادی است. نیردی برای ختمه دادن به یک توحش و بربریت. جدال برای رهایی و انسانیت. اما جلاخان جمهوری اسلامی همه چیز را آماده کرده بودند و خانواده مقتول سرشار از انتقام و بالاخره بهنود را کشتند. بهنود دیگر در میان ما نیست. دلارا را هم کشتند. اما انسانیت از همیشه قوی تر می درخشد. تهران - گزارشگر مهران بهنود

اعتراض علیه اعدام در آلمان

فرانکفورت. روز شنبه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی علیه اعدام تظاهراتی به



فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر فرانکفورت برگزار شد. در این تظاهرات یک نمایشگاه بزرگ عکس از جنایات حکومت صد هزار اعدام دایر شده بود. در این نمایشگاه اسامی ۵۰۰۰ نفر از کسانی که

رژیم اسلامی در هر دعویایی که با هم دارند پای ما را وسط می کشند. ما سبیل مبارزه علیه دو جناح، سبیل مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی و نماینده واقعی مردم بیرون این حکومت شده ایم و از حضور ما در صحنه سیاسی ایران بیمناک هستند. هر کدام هم داستانهای محیر العقول از ما تعریف میکند. به روش قدیمی

شانتاژ علیه کمونیستها و پرونده سازی علیه ما متوسل می شوند تا کمونیستها را از دور خارج کنند. ولی این تلاشها بی ثمر است. حزب ما با تعهد و پایبندی به آزادی های بدون قید و شرط سیاسی و متکی بر تلاش و مبارزه بی وقفه اش برای خوشبختی و رفاه انسانها، در میان قلب مردم جا باز کرده است و مردم آنرا بیش از پیش

در سال ۶۷ اعدام شدند به چشم می خورد. تظاهرات کنندگان شعارهایی علیه حکومت جانیان اسلامی سر دادند و طی سخنرانی هایی عمل شنیع و ضد انسانی اعدام را محکوم کردند. در این تظاهرات دو نماینده از طرف دانشجویان دانشگاه فرانکفورت و ۲ نماینده از طرف سازمان دفاع از صلح همبستگی و حمایت خود را از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی اعلام کردند.

در حین برگزاری این تظاهرات خبرنگارانی از روزنامه فرانکفورتی روند شاو و تلویزیون استان هسن حضور داشته و اقدام به تهیه عکس و گزارش کردند. گزارش تلویزیون استان هست بلافاصله خبر این تظاهرات

را در اخبار خود پخش کرد. همچنین چندین مصاحبه با شرکت کنندگان در این تظاهرات از طرف این رسانه ها انجام شد. سایت اینترنتی استان هسن خیر و گزارش این تظاهرات را به همراه گزارش تصویری منعکس کرد.

به عنوان آلترناتیو طبیعی جمهوری اسلامی می شناسند. جلوی این روند را کسانی که تا دیروز پاسدار، باجو، شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند و حالا گویا همه شاگرد ولتر و دموکرات شده اند، نمی توانند بگیرند!

همکار نشریه:
سعید اصلی

مشخصات کامل کانال جدید به این شرح است:

Hot Bird 8

13 degrees East

Transponder Number: 14

Frequency: 11470 MHz

Polarity: Vertical

Symbol Rate: 27500

FEC: 5/6

هات برد ۸
۱۳ درجه شرقی
ترانسپوندر ۱۴
فرکانس ۱۱۴۷۰ مگاهرتز
عمودی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۶/۵

www.newchannel.tv

تلفن های تماس:

۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ / ۰۰۱۵۰۵۳۳۳۴۱۷۴

کانال جدید پس از دو ماه و نیم توقف از امروز پخش برنامه های خود را روی فرکانس ۱۱۴۷۰ در هات برد ۸ آغاز کرد.

کانال جدید روز ۵ مرداد (۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹) درست در اوج فعالیت خود و در حالیکه به یک رسانه محبوب و بسیار توده ای تبدیل شده بود، بدلیل فشار پارازیت جمهوری اسلامی، از طرف کمپانی هاتبرد قطع شد و بدین ترتیب پس از دو سال پخش برنامه از هاتبرد میلیونها بیننده از دیدن برنامه های خود محروم شدند. تلاش بی وقفه ما برای بازگشت به هاتبرد بالاخره به سرانجام رسید و از امروز بیستم مهرماه مجددا شروع به کار کرد.

خبر بازگشت کانال جدید را باید فوراً به همه اطلاع داد و تردیدی نداریم که علاقمندان پیشمار کانال جدید این خبر را با شور و شعف بسیار به سرعت در سراسر کشور پخش خواهند کرد و این واقعه را بعنوان یک نقطه قدرت مهم خود در مبارزه علیه حکومت نکبت اسلامی جشن خواهند گرفت.

کانال جدید

۲۰ مهرماه ۱۳۸۸، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹

معاملات پنهانی شرکت اریکسون با

جمهوری اسلامی

نماید. هنگامی که نمایندگان اریکسون تحویل دستگاههای جاسازی شده در کامیون برای نمایش قدرت و کارایی آن را به مقامات ایران سل و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی نشان میدادند، این معامله خونین توسط فعالین اپوزیسیون سرنگونی طلب درمحل مخفیانه فیلمبرداری گردید.

مقامات جمهوری اسلامی که پس از پایان معامله، سوار بر دو لیموزین همراه با اسکورت، متوجه حضور نیروهای اپوزیسیون و فیلمبرداری آنها شدند با سرعت قصد فرار از محل را داشتند، با سرعت سرسام آور و غیر مجاز، تلاش کردند خود را مخفی نمایند، اینکار نیز با شکست مواجه شد و باز هم مورد شناسایی قرار گرفتند.

فیلم کوتاهی از این معامله کثیف و خونین که تماماً مبارزات مردم ایران را نشانه گرفته است، تهیه شده است، که آنرا همین جا مشاهده میکنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=26wYjCKa1-Q>

روز هفتم اکتبر سال جاری، مجددا هیئت بلند پایه ای مرکب از ده نفر از مقامات امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی و رئیس و معاون شرکت «ایران سل» در دیدار محرمانه ای از شرکت اریکسون در شمال استکهلم ملاقات کردند. موضوع این ملاقات تحویل دستگاههای استراق سمع و ایجاد اعوجاج تلفنهای همراه که در یک کامیون کوچک نصب گردیده است بود. وزارت خارجه سوئد بعنوان رابط با مسئولین شرکت اریکسون تمامی امکانات و تمهیدات امنیتی را برای مخفی ماندن این سفر مهیا کرده بودند. اسلامی و قرار ملاقات، محل ملاقات و طرف مسئول تماس از سوی شرکت اریکسون را کاملاً مخفی کردند. در هیچ کدام از لیست های مهماتان و بازدید کنندگان و حتی لیست رزرو سالی که برای نشست با هیئت جمهوری اسلامی تدارک دیده شد بود، این ملاقات به چشم نمیخورد.

اما این بار هم سفر جانبیان جمهوری اسلامی و ملاقات مسئولین شرکت اریکسون از دید نیز مردم معترض مخفی

دستاورد تا کنونی جنبش انقلابی دانست. حمید تقوایی با اشاره به این نقاط قوت انقلاب تاکید کرد که در مسیر ادامه انقلاب باید بر این دستاوردها تکیه کرد. وی بر این مهم انگشت گذاشت که پیشروی انقلاب در عین حال منوط به حاشیه ای کردن "نارهرانی" است که در هر مقطع می خواهند انقلاب را منحرف یا متوقف کنند. وی همچنین تاکید کرد جامعه می بایست نیرو و حزبی که همواره پرچم انقلاب را به دست داشته و راه پیروزی و پیشروی را نشان داده است، بعنوان رهبر انقلاب برگزیند.

در بخش پرسش و پاسخ ها هم حمید تقوایی به جنبه های دیگری از بحث و سوالات شرکت کنندگان پاسخ داد. از جمله به سوالاتی حول اتحاد نیروهای اپوزیسیون و مسئله رهبری انقلاب و تفاوت وجود نیروی رهبری با پذیرش و شناختن آن توسط جامعه پاسخ داد. در این جلسات حدود ۴۵۰۰ کرون کمک مالی برای بازگشایی تلویزیون کانال جدید جمع آوری شد.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری

ایران- سوئد

۱۲ اکتبر ۲۰۰۹

ای نیست، بلکه مبارزه جبهه انسانیست است در مقابل ضد انسانی ترین حکومت دوران حاضر. انستگرابی عمیق انقلاب ایران باعث شده است تا حمایت های گسترده ای در سطح جهانی کسب کند و نیروهای زیادی را در سطح دنیا همراه خود و علیه



جمهوری اسلامی بسیج کرده است. این جنبش افکار عمومی مردم دنیا را بخود جلب کرده و صورت مساله ایران را در میان جهانیان تغییر داده است. مبارزات اخیر مردم حتی بر مناسبات دولت ها با جمهوری اسلامی تاثیر گذاشته است. در خود جامعه ایران نیز مردم با اعتماد بنفس و جسارتی بیش از همیشه در برابر حکومتی با صفوف بهم ریخته و بیش از پیش رسوا و بی اعتبار و افتنا شده و آبرو باخته قرار گرفته است. حمید تقوایی تاکید کرد که در تمامی این زمینه ها صحنه سیاسی در ایران و در سطح جهانی به نفع مردم و به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است و این تغییرات را یک

از صفحه ۱ گزارش جلسات سخنرانی

طی روزهای ۱۰ و ۱۱ اکتبر جلسات سخنرانی حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران، در استکهلم و گونبرگ برگزار شد. حمید تقوایی در این سخنرانی ها به ماهیت رادیکال و انقلابی جنبش اخیر در ایران اشاره کرد و با اشاره به مشخصات و مقایسه اعتراضات و مطالبات مردم در ایران با سایر اعتراضات و وقایع مهم جهانی در دوره اخیر نشان داد جنبش جاری در ایران انقلابی انسانی و رادیکال و پیشرو است. حمید تقوایی با اشاره به تحولات جهان در دوره پس از جنگ سرد گفت این تحولات اغلب خصلتی مذهبی - قومی - ناسیونالیستی داشته و تفرقه و جدائی و جنگهای همسایه با همسایه را بنیال داشته است ولی اعتراض و مطالبه مردم در ایران بر سر چنین موضوعاتی نیست. مذهب در ایران حکومت می کند و از آنجا که نفس حکومت اسلامی ضدیت با انسان و انسانیت است، جبهه مقابل آن نمی تواند به جز انسانیت و دفاع از خواستها و آمال انسانی باشد. مبارزه مردم ایران مبارزه انواع اسلام و شاخه های مختلف آن با هم نیست. جنگ قومی قبیله